

بررسی رابطه معضل مطالبات غیرجاری و عملیات بانکداری بدون ربا در ایران

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۹/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۰۷

احمد بهاروندی*

محمد رضا رنجبر فلاح**

اصغر ابوالحسنی هستیانی***

چکیده

از جمله شاخص‌هایی که برای سنجش عملکرد ساختار بانکداری یک منطقه یا یک کشور همواره مورد توجه بوده است، نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی در آن کشور می‌باشد. از طرفی در حال حاضر افزایش حجم مطالبات غیرجاری بانک‌ها به عنوان یکی از مهمترین مشکلات شبکه بانکی کشور مطرح می‌باشد که می‌تواند آسیب‌های جدی به بدنه اقتصادی کشور وارد آورد. از سوی دیگر با توجه به اینکه تاکنون تلاش بر این بوده که در کشورمان الگوی بانکداری بدون ربا حاکم باشد، از منظر ناظران بین‌المللی، نسبت حجم مطالبات غیرجاری به کل مطالبات شبکه بانکی ممکن است به عنوان شاخصی از عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران به حساب آورده شود، اما از آنجا که بسترسازی در راستای تحقق واقعی اقتصاد مقاومتی در حوزه‌های مختلف اقتصاد ایران مستلزم شناسایی دقیق آسیب‌ها و تهدیدها و نیز نقاط ضعف و قدرت آن حوزه‌ها می‌باشد، لذا شناسایی دقیق عوامل ایجاد و افزایش مطالبات غیرجاری کشور با توجه به مؤلفه‌های بومی اقتصادی و رفتارهای کنش‌گران اقتصادی در اقتصاد ایران به منظور آسیب‌شناسی و یافتن عوامل اصلی بروز این پدیده می‌تواند به عنوان راهنمایی در اختیار محققان و سیاست‌گذاران حوزه پولی و بانکی کشورمان قرار داشته باشد. در این تحقیق توانسته‌ایم که با تمرکز بر نظرات نخبگان حوزه بانکی کشور و با استفاده از روش تحقیق «نظریه برخاسته از داده‌ها» به شناسایی این عوامل پرداخته شده است. مهمترین عواملی که بر این اساس مورد شناسایی قرار گرفتند، عدم رعایت استانداردهای ارزیابی طرح‌های اقتصادی توسط بانک‌ها، عدم اعتبارسنجی مناسب شخص حقیقی یا حقوقی گیرنده تسهیلات، عدم تشخیص مصادیق خاص ذینفع واحد. در خصوص گیرندگان تسهیلات کلان، خرج‌کرد تسهیلات در غیر از محل مورد تقاضا توسط مشتریان و ... بوده است.

واژگان کلیدی

مطالبات غیرجاری، متغیرهای کلان اقتصادی، متغیرهای درون بانکی، بدهکاران عمده بانکی، بانکداری بدون ربا

طبقه‌بندی JEL: G21, E51, E44, E32

amd.bahar@gmail.com

rfallah@pnu.ac.ir

abolhasani2000@yahoo.com

* دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول)

** استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام‌نور

*** دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام‌نور

مقدمه

افزایش حجم مطالبات غیرجاری^۱ خطرات و تأثیرات نامناسب و ناهنجاری را بر کارکرد شبکه بانکی و شاخصه‌های اقتصادی کشور به همراه دارد. انباشت حجم مطالبات غیرجاری در خصوص یک بانک یا مؤسسه مالی به سرعت شاخص‌های عملکردی آن بنگاه را به سمت ناکارآمدی سوق می‌دهد. کاهش نسبت سودآوری و اهرم‌های مالی و حتی سوق یافتن به سمت ورشکستگی و نکول از جمله تبعات گسترش روزافزون مطالبات غیرجاری برای بانک یا مؤسسه مالی است.

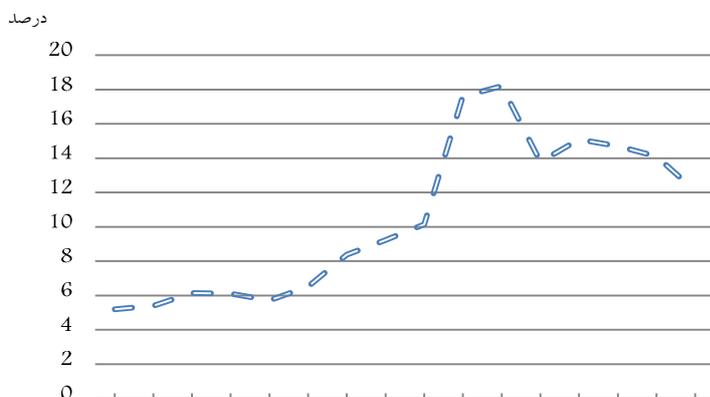
یکی دیگر از ریسک‌های اصلی که یک بانک با آن مواجه است، ریسک نقدینگی بوده که عمدتاً با ریسک اعتباری رابطه مستقیمی دارد و در اکثر موارد رابطه علیت نیز بین آنها برقرار است. بدین صورت که بروز ریسک اعتباری و بالا رفتن درجه آنکه در واقع بیانی از نکول بانک است، باعث می‌شود بانک نتواند به خوبی منابع ورودی و خروجی خود را مدیریت نماید و میان منابع و مصارف خود توازن برقرار سازد چراکه عدم بازپرداخت منابع بانکی به منزله بلوکه شدن آن منابع نزد بدهکاران بانکی می‌باشد و لذا توزیع نامتوازن دریافت تسهیلات را نیز به دنبال دارد. در سطح ملی نیز توزیع نامتوازن و غیر مورد نظر سیاست‌گذاران شبکه بانکی در اعطای تسهیلات به بخش‌های اولویت‌دار، ایجاد شکاف طبقاتی، رشد نامتوازن بخش‌های غیرتولیدی اقتصادی و... را در پی دارد که همگی آنها از مضرات افزایش میزان بدهی غیرجاری بانک‌ها به شمار می‌رود.

با عنایت به موارد مطرح شده می‌توان گفت که شناسایی عوامل تأثیرگذار و متغیرهایی که می‌تواند حجم مطالبات غیرجاری را تحت تأثیر قرار دهند از جمله ضروریات اعمال نظارت و کنترل بر نحوه عملکرد شبکه بانکی است.

۱. مسأله تحقیق

آمارهای رسمی نشان می‌دهد که نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی سیستم بانکی درصد قابل توجهی را به خود اختصاص داده است.

بررسی رابطه معضل مطالبات غیر جاری و عملیات بانکداری بدون ربا در ایران ۴۱



نمودار (۱): نسبت مطالبات غیر جاری به کل تسهیلات در ایران

منبع: آمارهای بانک مرکزی ج.ا.ا.

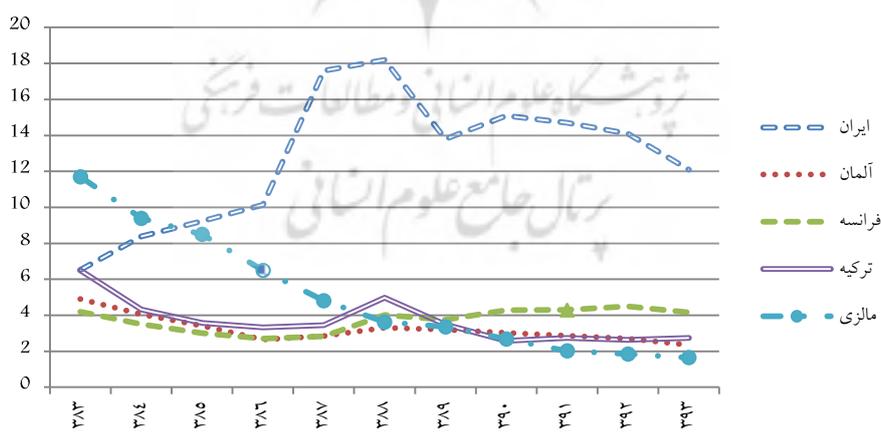
جدول (۱): نسبت مطالبات غیر جاری به کل تسهیلات در ایران

سال	نسبت تسهیلات غیر جاری به کل تسهیلات (ریالی و ارزی)	سال	نسبت مطالبات غیر جاری به کل تسهیلات (ریالی و ارزی)
۱۳۷۸	۵.۲	۱۳۸۶	۱۰.۱
۱۳۷۹	۵.۴	۱۳۸۷	۱۷.۶
۱۳۸۰	۶.۲	۱۳۸۸	۱۸.۲
۱۳۸۱	۶.۱	۱۳۸۹	۱۳.۸
۱۳۸۲	۵.۷	۱۳۹۰	۱۵.۱
۱۳۸۳	۶.۵	۱۳۹۱	۱۴.۷
۱۳۸۴	۸.۴	۱۳۹۲	۱۴.۱
۱۳۸۵	۹.۲	۱۳۹۳	۱۲.۱

منبع: آمارهای بانک مرکزی ج.ا.ا.

به منظور درک بهتر وضعیت نامناسب نسبت مطالبات غیر جاری در کشور^۲ بایستی به این نکته دقت داشت که کاهش این نسبت در سال‌های پایانی دهه ۸۰ و ابتدای دهه ۹۰ را می‌توان به دو علت مربوط دانست نخست اینکه برخی بانک‌های دارای مطالبات غیر جاری کلان، با بدهکاران عمده خود در خصوص استمهال بدهی به توافق رسیدند و لذا موقتاً آن ارقام از سرفصل مطالبات غیر جاری به سرفصل مطالبات جاری منتقل شد.

دلیل دوم مربوط قوانین بودجه کشور به طور مثال براساس متن بند ۱۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۲ که طی آن جواز تقسیم مطالبات غیرجاری در قالب تسهیلات جدید با نرخ تعیین شده شورای پول و اعتبار، به شبکه بانکی اعطا شده است. قبل از آن بند ۲۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ و نیز قانون بودجه سال ۸۹ به منظور حمایت از تولید و اشتغال به بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری، اجازه داده است با تأیید هیئت مدیره، اصل و سود تسهیلات سررسیدشده و معوق واحدهای صنعتی، معدنی و کشاورزی را برای یکبار تا پنج سال تقسیم و از سرفصل مطالبات سررسید گذشته و معوق خارج نمایند. پس از ابلاغ این قوانین و اجرای آنها در کشور، میزان مطالبات غیرجاری به صورت غیر واقعی کاهش یافت چراکه در عمل سررسید بدهی بدهکاران بانکی مجدداً به تعویق انداخته شد. لذا بخش نزولی نمودار فوق نیز نمی تواند به منزله کاهش واقعی میزان مطالبات غیرجاری تلقی گردد. بررسی وضعیت میزان مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی کشور و مقایسه آن با این نسبت در کشورهای پیشرفته و حتی کشورهایی که اقتصاد ایران در مواقعی با لحاظ جنبه های مختلف با وضعیت اقتصاد آنها مقایسه می گردد، نشان می دهد که کشورمان در خصوص نسبت مطالبات غیرجاری وضعیت مناسبی ندارد. جدول (۲) این وضعیت را از طریق مقایسه داده های مربوط به دو اقتصاد پیشرفته و دو اقتصاد غیرپیشرفته و اما نزدیکتر به اقتصاد کشورمان نمایش می دهد.



نمودار (۲): مقایسه وضعیت نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات در ایران در مقایسه با چهار کشور
منبع: آمارهای بانک مرکزی ج.ا.ا.

شناخت علل ایجاد مطالبات غیرجاری به خوبی می‌تواند از ایجاد بزرگترین انحراف در تخصیص منابع با عنوان بلوکه شدن منابع در یک بخش خاص و عدم توزیع مناسب آنها با توجه به سیاست‌های کلان اقتصادی جلوگیری نماید.

در این تحقیق مسأله اصلی که به دنبال واکاوی در خصوص آن هستیم، تعیین عوامل و متغیرهایی است که با توجه اقتضائات بومی و به شاخصه‌های فضای کسب و کار کشورمان، بیشترین تأثیرگذاری را بر میزان مطالبات غیرجاری بانک‌های ایران دارند.

۲. میزان مطالبات غیرجاری به عنوان معیار سنجش عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران

تاکنون مقالات متعددی در اشاره به سنجش نحوه عملکرد الگوی فعلی بانکداری بدون ربا در ایران نوشته شده است، اما عمده مطالب بیان شده توسط صاحب‌نظران در خصوص نحوه عملکرد این الگو بر کیفیت اجرای عقود و قراردادهای اسلامی گنجانده شده در قانون عملیات بانکداری بدون ربا متمرکز بوده است. شاید بتوان گفت عمده‌ترین ایرادی که در میان صاحب‌نظران، کاربران و مشتریان بخش بانکی کشورمان در خصوص نحوه اجرای الگوی فعلی بانکداری بدون ربا مطرح است، عبارت از صوری بودن عقود و قراردادهاست، بدین گونه که هر چند در موارد متعددی قانونگذار ملاحظات جدی در خصوص مسائل شرعی حاکم بر قراردادها داشته، ولی متأسفانه عملاً این ملاحظات در بسیاری مواقع در مقام اجرا نادیده انگاشته شده است.^۳

اما در کنار این گونه ارزیابی‌ها از عملکرد بانکداری بدون ربا در کشورمان، بایستی شاخص‌های کلان بانکداری نیز به منظور سنجش عملکرد این الگو مورد استفاده قرار گیرند. میزان مطالبات غیرجاری شبکه بانکی و به عبارت دیگر درصد منابع قفل شده از محل سپرده‌های بانکی به منابع آزاد از این منابع که در دسته‌بندی مطالبات غیرجاری لحاظ می‌گردد، می‌تواند به عنوان شاخص و سنجش جهت ارزیابی عملکرد شبکه بانکی هر کشور به حساب آید. بانک جهانی همه ساله آمارها و داده‌های کلان بخش پولی و بانکی هر کشور را به عنوان معیاری برای سنجش عملکرد سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران فعال در آن حوزه در مورد هر کشور به صورت جداول آماری اعلام می‌نماید که از جمله آنها می‌توان به نسبت مطالبات غیرجاری^۴ به کل تسهیلات اعطا شده توسط شبکه بانکی اشاره نمود. همانگونه که در بخش قبلی مقاله ارائه شد، در

مورد ایران نیز این آمارها - هرچند در مواردی با تأخیر - اعلام می‌شود، ممکن است از منظر محققان و صاحب‌نظران بین‌المللی حوزه بانکی به علت حاکمیت قانون عملیات بانکداری بدون ربا در ایران، این داده‌ها در برداشت نخست به مثابه نتیجه عملکرد اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا تلقی گردد.

البته این سوال جدی باقیست که آیا با وجود موانع ساختاری بخش پولی و بانکی کشورمان، واقعاً مجالی برای اجرای واقعی بانکداری بدون ربا فراهم شده بوده یا خیر. هر چند به نظر می‌رسد معضل مطالبات غیرجاری در کشورمان در درجه نخست مربوط به نبود ساختارهای پویای بانکداری مانند بسترهای یکپارچه الکترونیکی حوزه اعتبارات و قوانین و مقررات حقوقی و کیفری قضایی ناظر بر عملیات بانکی می‌باشد، اما نمی‌توان صورت مسأله‌ای تحت عنوان معضل مطالبات غیرجاری را به بهانه عدم وجود مجالی برای تحقق واقعی بانکداری بدون ربا، نادیده انگاشت. لذا در این تحقیق نگارنده سعی کرده که با اتکاء به نظرات نخبگان و کارشناسان شبکه بانکی کشور که در عین مسئولیت اجرایی در سطوح کارشناسی نیز سابقه فعالیت داشته‌اند، به شناسایی مؤثرترین عوامل ساختاری و بومی اقتصاد ایران که در ایجاد مطالبات غیرجاری نقش بسزایی داشته‌اند پردازد. در این رهگذر ضمن شناسایی مؤثرترین عوامل ایجاد مطالبات غیرجاری در ایران، این سوال نیز به خودی خود پاسخ داده خواهد شد که حاکمیت قانون عملیات بانکی بدون ربا به صورت واقعی به چه میزان در ایجاد مطالبات غیرجاری بانکی مؤثر بوده است.

۳. پیشینه تحقیق

در خصوص شناسایی عوامل مؤثر بر میزان مطالبات غیرجاری بانکها تحقیقات خوبی در کشورمان به رشته تحریر درآمده که برای مرور مطالعات انجام شده در این خصوص به تشریح آنها می‌پردازیم:

موسوی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود داده‌های مربوط به میزان مطالبات معوق ۱۵ بانک منتخب را طی دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۹۱ بررسی کرده و نحوه تأثیرگذاری نرخ تورم، نرخ بیکاری، درآمد سرانه و نرخ ارز را بر حجم مطالبات معوق بانک‌های منتخب با استفاده از روش اقتصادسنجی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. نتایج حاصل از این

مطالعه نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت بین معوقات بانکی با تورم و نرخ بیکاری و رابطه منفی با درآمد سرانه در بانک‌های مورد مطالعه بوده است؛ اما نرخ ارز اثر معنی‌داری بر معوقات بانکی ندارد.

ذاکرنیا (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود بیان نموده با توجه به اینکه عوامل سیستماتیک و غیرسیستماتیک بسیاری برافزایش مطالبات معوق اثرگذار هستند، عوامل سیستماتیک عواملی هستند که ماهیتی کلان دارند و از حیطة کنترل یک بانک یا بنگاه خارج بوده و اثرگذاری آن بر همه اقتصاد می‌باشد و عوامل غیرسیستماتیک عواملی هستند که ماهیتی خرد دارند و در حیطة کنترل و نظارت یک بانک یا بنگاه بوده و اثرگذاری آنها محدود به یک بانک یا بنگاه خاص می‌باشد. نتایج تحقیق حاکی از این است که افزایش نرخ تورم، کاهش ارزش پول ملی، ضعف در فرآیند کارشناسی اعطایی تسهیلات و... به ترتیب دارای بیشترین تأثیر در افزایش مطالبات معوق بانکی می‌باشند. همچنین عوامل تشدید ریسک‌های سیاسی و اقتصادی و تحریم، افزایش نرخ تورم، کاهش ارزش پول ملی، افزایش بازدهی بازارهای موازی، مالکیت دولتی و تمرکزگرایی بانک‌ها؛ به ترتیب اهمیت و شدت اثرگذاری، به‌عنوان عوامل اثرگذار بر سایر عوامل بوده و سایر عوامل جز گروه عوامل تأثیرپذیر می‌باشند. در نهایت محقق نتیجه می‌گیرد که سهم عوامل سیستماتیک در افزایش مطالبات معوق نسبت به عوامل غیرسیستماتیک بیشتر می‌باشد، زیرا هم رتبه بالاتری نسبت به عوامل غیرسیستماتیک کسب کرده‌اند و هم اینکه به‌عنوان عوامل اثرگذار در افزایش سایر عوامل شناسایی شده‌اند.

نتاج و پورکردی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل علل افزایش مطالبات غیرجاری بانک نمونه و راه‌کارهای پیشگیری و کاهش آن»، پرسشنامه‌ای با توجه به موضوع اصلی پژوهش تهیه و در اختیار ۶۴ نفر از مدیران بانک به صورت نمونه قرار داده تا در مورد فرضیه‌های تحقیق و مشکلات مربوط به مطالبات غیرجاری اظهار نظر نمایند. در این تحقیق ۸ فرضیه به عنوان فرضیه‌های محققین در خصوص شکل‌گیری مطالبات غیرجاری در نظر گرفته شده است که شامل:

۱) عدم وجود سازوکارهای اعتبارسنجی مناسب؛

- ۲) فقدان آموزش‌های لازم جهت تشکیل پرونده تسهیلات مطابق دستورالعمل‌های بانک؛
- ۳) فقدان سیستم هوشمند پیگیری مطالبات؛
- ۴) نبود سیستم جامع حسابداری جهت کنترل مفاد دستورالعمل‌ها؛
- ۵) عدم وجود ساختار سازمانی متصدیان وصول مطالبات در شعب و سرپرستی‌های بانک؛
- ۶) تغییرات عمده در قانون چک؛
- ۷) عدم وجود شورای حل اختلاف؛
- ۸) عدم رعایت حقوق مشتریان توسط کارکنان شعب و روان‌سازی امرواعطای تسهیلات بوده‌اند.

در نهایت این تحقیق بیان می‌کند که تمام فرضیه‌های پژوهش به غیر از فرضیه هفت مورد تأیید واقع شد و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فقدان آموزش‌های لازم به کارکنان یکی از مهمترین عوامل مؤثر در افزایش معوقات بانک است و بعد از آن، عدم وجود ساختار سازمانی متصدیان وصول مطالبات و همچنین عدم وجود سیستم جامع هوشمند پیگیری جزء مهمترین عوامل مؤثر در افزایش معوقات هستند.

جلالی خلیل‌آبادی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «علل و آثار گسترش مطالبات غیرجاری در نظام بانکداری بدون ربای ایران و ارائه راهکارهای اصلاح آن در قالب بانکداری اسلامی» در ابتدا به کمک روش کتابخانه‌ای به بررسی تجارب داخلی و خارجی در خصوص عوامل مؤثر در پیدایش تسهیلات غیرجاری پرداخته و عوامل مختلف مؤثر در بروز مطالبات در کشور شناسایی و در دو گروه عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی دسته‌بندی شده است. این پایان‌نامه بر اساس روش پرسشنامه‌ای انجام پذیرفته است. جامعه آماری این پایان‌نامه شامل مدیران ارشد بانک‌ها در تهران است که حدود ۲۰۰ نفر می‌باشد. حجم نمونه نیز ۱۱۴ نفر است. در نهایت این پایان‌نامه پس از تلخیص پرسشنامه‌ها و انجام آزمون فرضیه چنین نتیجه‌گیری نموده است که در نظام بانکی ایران نقش عوامل درون‌سازمانی در شکل‌گیری معوقات از عوامل برون‌سازمانی بیشتر است.

همانطور که بیان شد، در خصوص شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد مطالبات غیرجاری بانکی در ایران، تلاش‌هایی صورت پذیرفته که در همگی این تحقیقات در پایان، عوامل کلان و غیرکلان بر ایجاد مطالبات غیرجاری بانکی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در این تحقیق سعی شد به شناسایی عواملی که به گواهی خبرگان بانکی بیشترین تأثیرگذاری را در ایجاد مطالبات غیرجاری در فضای کسب و کار کشورمان دارا می‌باشند پردازیم. برای درک بهتر این امر کفایت این مهم را در نظر بگیریم که همواره یکی از اطراف مشکلات و مسائل مطالبات غیرجاری، مشتریان بدحساب و یا قرض‌گیرندگان حرفه‌ای هستند که به گواهی آمارها و حقایق موجود در شبکه بانکی کشور اتفاقاً بخش عمده‌ای از میزان مطالبات غیرجاری را به خود اختصاص داده‌اند به عبارت دیگر ما با طیفی از قرض‌گیرندگان حرفه‌ای مواجهیم که رفتار آنها باعث ایجاد حجم گسترده‌ای از مطالبات غیرجاری در کشورمان شده‌اند. درحالیکه تحقیقات قبلی انجام شده هیچ‌گاه در خصوص رفتار بدهکاران بانکی به صورت جدی به تحقیق و بررسی نپرداخته‌اند. به همین علت در این تحقیق برآنیم که در خصوص شاخصه‌های منبعث از رفتار این افراد که می‌توانند در تعیین میزان مطالبات غیرجاری نقش بسزایی داشته باشند، متمرکز شویم.

۴. سوالات تحقیق

سوال اصلی تحقیق در مصاحبه با خبرگان حوزه بانکی این است که «آیا ایجاد حجم افزایشی مطالبات غیرجاری بانک‌ها از تأثیرات ناشی از الزامات عملیات بانکداری بدون ربا می‌باشد؟»، ضمناً سوال دیگری که به واسطه انجام تحقیق و پس از دریافت نظرات نخبگان در خصوص آن به پاسخ خواهیم رسید این است که «عوامل اصلی و بومی برخاسته از شرایط فضای کسب و کار کشورمان که منجر به ایجاد و افزایش مطالبات غیرجاری بانکی می‌گردد، کدامند؟» البته چنانکه در این تحقیق خواهیم دید، پاسخ به سوال اصلی منوط به تهیه پاسخ مبسوط به سوال دوم می‌باشد، لذا در اینجا ابتدا در خصوص عوامل مؤثر بومی در ایجاد مطالبات غیرجاری کشور به صورت مشروح بحث خواهیم نمود و در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده در این خصوص به صورت بدیهی سوال اصلی تحقیق پاسخ داده خواهد شد.

۵. فرضیه‌های تحقیق

تحقیق شامل دو فرضیه می‌باشد:

- نخست اینکه در خصوص علل ایجاد مطالبات غیرجاری بانکی در کشورمان، عواملی وجود دارند که به واسطه ساختار ویژه اجرای عملیات بانکی در کشورمان، می‌توان آن عوامل را به عنوان عللی به حساب آورد که با توجه به شرایط ساختار بانکی بومی کشورمان و نیز شرایط خاص رفتاری برخی بدهکاران بانکی، بیشترین تأثیرگذاری را در افزایش مطالبات غیرجاری به‌طور ویژه برای ایران خواهند داشت.
- دومین فرضیه این است که بر اساس عوامل بومی شناسایی‌شده از طریق دریافت نظر نخبگان، به این نتیجه قطعی خواهیم رسید که ایجاد و افزایش مطالبات غیرجاری به هیچ وجه ناشی از نفس حاکمیت قانون عملیات بانکداری بدون ربا نمی‌باشند. البته باید گفت که اگر اجرای یک قانون نوعی دچار ایراد باشد به این معنا نخواهد بود که اصل قانون با مشکل مواجه بوده است.

۶. روش تحقیق

همانگونه که گفتیم در این تحقیق ابتدا به بررسی سوال دوم تحقیق خواهیم پرداخت و برای پاسخ به سوال دوم تحقیق حاضر از روش تحقیق مورد نظر محقق استفاده شده است. بدین منظور روش انتخاب شاخص‌ها و متغیرهای کلان و غیرکلان مؤثر بر میزان مطالبات غیرجاری در ایران که در اینجا مورد استفاده قرار گرفته عبارت از «نظریه برخاسته از داده‌ها» می‌باشد. این روش تحقیقی در واقع یک شیوه پژوهش کیفی است که بوسیله آن، با استفاده از یک دسته داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. بطوری که این نظریه در یک فرآیند، عملیات یک تعامل را تبیین می‌کند (بازرگان، ۱۳۸۷).

۶-۱. شیوه تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها در نظریه برخاسته از داده‌ها شامل سه گام کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی می‌باشد.

۶-۱-۱. کدگذاری باز

کدگذاری باز فرآیندی تحلیلی است که طی آن مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد مربوط به هر مفهوم کشف می‌شود. در کدگذاری باز، وقایع یا چیزهای مشاهده

شده در داده‌ها نام‌گذاری می‌شوند و بر فهم مشخصه‌هایی تمرکز می‌شود که موجب منحصر به فرد شدن این وقایع شده است. در کدگذاری باز، دو فعالیت کلیدی شامل مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی وجود دارد (Strauss and Corbin, 1998).

۶-۱-۲. کدگذاری محوری

هدف از کدگذاری محوری تلفیق داده‌هایی است که در مرحله‌ی کدگذاری باز خرد شده‌اند. در کدگذاری محوری، یکی از مقوله‌های کدگذاری باز به عنوان مقوله یا پدیده اصلی انتخاب شده و در مرکز فرآیند قرار می‌گیرد و سپس سایر مقوله‌ها (زیرمقوله‌ها) به آن ربط داده می‌شود. طبق نظر اشترواس و کوربین، پدیده اصلی عنوانی است که می‌توان به پاسخ سوال «اینجا چه در حال رخ دادن است؟» نسبت داد. (Strauss & Corbin, 1998).

۶-۱-۳. کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی دو مرحله کدگذاری پیشین را با یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها در چارچوبی نظری تکمیل می‌کند. در یکپارچه‌سازی، مقوله‌ها حول پدیده اصلی یا محوری سازماندهی می‌شوند.

۶-۲. جامعه و نمونه آماری

به منظور دستیابی به پاسخ درخور در خصوص سوال دوم تحقیق جامعه آماری توسط محقق انتخاب گردیده است.

۶-۲-۱. جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر متخبین شبکه بانکی کشورمان بوده، که علاوه بر اینکه در حوزه اعتبارات بانکی صاحب نظر می‌باشند به عنوان افراد مطرح و دارای ایده از آنها یاد می‌شود. البته در انتخاب ایشان سعی شده از بانک‌ها و سلایق مختلف بانکداری انتخاب و مورد مصاحبه قرار گیرند که در نهایت نظرات ایشان پس از مصاحبه و پایش از طریق نظریه برخاسته از داده‌ها به عنوان نتایج تحقیق مطرح گردد.

۲-۲-۶. نمونه آماری

این تحقیق با افرادی که خبرگان این حوزه بوده انجام پذیرفته است. از طرفی کفایت نمونه‌گیری باروش نمونه‌گیری نظری^۵ محقق شده است. در این اینجا، نمونه‌گیری تا جایی ادامه پیدا می‌کند که مدل به حد ساخت و اشباع رسیده است.

۳-۶. بستر تحقیق

بستر تحقیق شامل شبکه بانکی کشورمان می‌باشد.

۴-۶. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق از منابع زیر استفاده شده است:

- مطالعه اسناد و منابع اطلاعات کتابخانه‌ای؛
 - سایت‌ها و پورتال‌های اطلاعاتی اینترنتی.
 - کتاب‌ها و مقالات فارسی و انگلیسی.
- مصاحبه‌های عمیق با خبرگان.

ادبیات نظری و بررسی پیشینه تحقیقات گذشته براساس مطالعات کتابخانه‌ای شامل کتاب، مقالات و سایت‌های مرتبط صورت گرفته است.

از آنجا که با ابزار مصاحبه می‌توان بهتر به زبان خود شرکت‌کنندگان از تجربه آنان آگاه شد (بازرگان، ۱۳۸۷)، در این تحقیق از مصاحبه عمیق به عنوان اصلی‌ترین ابزار جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. در این خصوص، محقق به هدایت تمامی مصاحبه‌ها اقدام کرد.

۵-۶. معیارهای انتخاب‌شوندگان جهت انجام مصاحبه

پنج معیار که برای انتخاب شرکت‌کنندگان در تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Flint, 1998)، عبارتند از: کلیدی بودن، این افراد در حوزه کاری خود در شبکه بانکی افراد کلیدی و مؤثری بوده‌اند. شناسایی شده توسط سایرین؛ این افراد در حوزه کاری همواره توسط سایر منتخبین مورد تأیید و اشاره بوده‌اند. فهم نظری موضوع؛ یکی دیگر

از عوامل مهمی است که در انتخاب افراد مصاحبه شونده ملاک بوده است. تنوع؛ در حوزه کاری و نیز حضور در بانک‌های متنوع از دیگر ملاک‌های انتخاب افراد مصاحبه شونده بوده است و در نهایت تمایل به همکاری؛ به عنوان یک شاخصه در انتخاب افراد بوده است.

۷. تحلیل داده‌ها

۷-۱. کدگذاری باز

کدگذاری باز، جزئی از تحلیل است که با تحلیل دقیق داده‌ها، نام‌گذاری و طبقه‌بندی کردن داده‌ها انجام می‌شود. برای طبقه‌بندی دقیق مفاهیم در مقوله‌ها، باید هر مفهوم، بعد از تفکیک بر چسب بخورد و داده‌های خام به وسیله بررسی دقیق متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌های زمینه‌ای، مفهوم‌سازی شوند. داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌شوندگان در قالب سه دسته از شرایط علی^۶ و شرایط زمینه‌ای^۷ و نیز شرایط مداخله‌گر^۸ که در واقع علل ایجاد مطالبات غیرجاری را توضیح می‌دهند، کدگذاری شدند که به صورت زیر توضیح داده می‌شوند.

۷-۱-۱. شرایط علی در ایجاد مطالبات غیرجاری

آنچه پس از کدگذاری باز در این مرحله از تحقیق در خصوص شناسایی عوامل علی ایجاد مطالبات غیرجاری به دست آمد شامل موارد ذیل بود:

۷-۱-۱-۱. عدم تمکین ارادی مشتری در پرداخت بدهی خود به دلیل امید کسب

سودهای بیشتر آتی

بر اساس نظر نخبگان، اراده مشتری یکی از مهمترین عوامل در بازپس‌دهی بدهی وسط وی می‌باشد. به عبارت دیگر چنانچه یک مشتری نوعی خود را مقید به بازپس‌دهی به موقع تعهدات خود بداند، نهایت تلاش خود را در ایفای تعهد نسبت به بانک خواهد نمود.

۷-۱-۱-۲. عدم تمکین ارادی مشتری در پرداخت بدهی خود به دلیل کم بودن میزان جریمه تأخیر

در مواقعی ممکن است یک مشتری سودجو علی‌رغم امکان بازپرداخت بدهی خود، به دلیل امکان کسب سودهای آتی از محل دیگری نسبت به بازپرداخت بدهی خود اقدام ننماید.

۷-۱-۱-۳. عدم پیگیری جدی بانک در وصول مطالبات به دلیل افزایش هزینه‌های آن
بالا بودن هزینه‌های پیگیری وصول مطالبات برای شبکه بانکی خود از جمله عواملی است که بانک‌ها را در پیگیری جدی وصول مطالباتشان بی‌رغبت می‌نماید. از جمله این هزینه‌ها می‌توان به زمان صرف شده در خصوص وصول مطالبات و نیز هزینه‌های کارشناسی پیگیری‌های حقوقی این پرونده‌ها اشاره نمود.

۷-۱-۱-۴. تمرکز منابع بانکی در اختیار عده‌ای محدود به دلیل توانایی بدهکاران عمده در همراه‌سازی بخش‌های قضایی و انتظامی و یا اطلاع فرآیند بازپرداخت تسهیلات
در مواردی، شبکه بانکی با بحران اعتباری مواجه می‌شود و آن زمان است که به دلایل متعددی، بانک‌ها از فراهم نمودن منابع مالی برای پاسخگویی به بخش تقاضای تسهیلات بانکی عاجز می‌مانند. یکی از مواردی که بانک‌ها نمی‌توانند به وصول مطالبات خود اقدام نمایند، مربوط به شرایطی است که بدهکاران بانکی با سوء استفاده از خला‌های قانونی و ایجاد شرایط خاص از بازپس‌دهی تعهدات خود امتناع می‌ورزند.

۷-۱-۲. شرایط زمینه‌ای در ایجاد مطالبات غیرجاری
پس از انجام مراحل کدگذاری باز، شرایط زمینه‌ای زیر در خصوص ایجاد مطالبات غیرجاری به دست آمد.

۷-۱-۳. عدم امکان بازپرداخت تسهیلات به دلایل واقعی مشکلات ساختاری فضای کسب و کار همچون تورم بالا، رکود گسترده اقتصادی، افزایش نرخ ارز و...
بالا بودن میزان هزینه‌های تولید، عدم تقاضای مکفی در بازار محصولات و نیز بالارفتن هزینه تجهیزات و مواد اولیه وارداتی نیز از جمله عوامل اصلی عدم تمکن واقعی مشتریان بانکی در بازپس‌دهی تسهیلات دریافتی توسط آنها می‌باشد.

۷-۱-۴. افزایش نرخ بیکاری (در خصوص افراد وام‌گیرنده حقیقی) و یا کاهش سطح دستمزدها (در خصوص وام‌گیرندگان خرد)

بر اساس نظر نخبگان، در خصوص تسهیلات خرد، مهمترین عامل در ایجاد مطالبات غیرجاری نداشتن تمکن مالی به واسطه از دست دادن شرایط دریافت حقوق ماهانه قبلی و یا از دست دادن مشاغل در مورد دریافت کنندگان تسهیلات می‌باشد.

۷-۱-۴-۱. عوامل فورس ماژور مانند سیل، زلزله و...

این عامل همانگونه که از نام آن پیداست به صورت غیرمترقبه باعث از بین رفتن شرایط کاری و ساختارهای درآمدزای مورد نظر تسهیلات گیرنده برای بازپس‌دهی اعتبارات دریافتی توسط وی گردد.

۷-۱-۴-۲. عدم استفاده وام‌گیرندگان از خدمات بیمه‌ای در کسب و کاری که بابت آن اقدام به اخذ تسهیلات نموده‌اند

استفاده از خدمات بیمه‌ای در همه زمینه‌های کسب و کار می‌تواند به مثابه تضمینی برای جلوگیری از نکول کلی و سقوط جدی صاحبان کسب و کار گردد.

۷-۱-۴-۳. وجود قوانین و مقرراتی که شرایط تولید و رونق کسب و کار را دشوار می‌نمایند

برخی از قوانین و مقرراتی که برای ضابطه‌مندتر نمودن فرآیندهای اجرایی کسب و کار و برخی از شرایط مالی محیطی همچون تعرفه‌های گمرکی و... نه تنها نتوانسته‌اند امکان تسهیل و شفاف‌تر شدن محیط کسب و کار را فراهم آورند، بلکه باعث چالش‌های جدی در راه‌اندازی حرف و مشاغل واقعی گردیده‌اند.

۷-۱-۵. شرایط مداخله‌گر در ایجاد مطالبات غیرجاری

۷-۱-۵-۱. عدم وجود سابقه استعمال بابت بدهی‌های احتمالی قبلی و سابقه چک‌های برگشتی در پرونده‌های اعتباری

در خصوص بدهکاران عمده، یکی از نکاتی که بر اساس نظر نخبگانی همواره به آن کم‌توجهی شده، عبارت بوده از توجه کافی و لازم به سابقه بدهکاری قبلی آنها توسط شبکه بانکی که متأسفانه این افراد علی‌رغم وجود بدهی جاری کلان و یا بدهی غیرجاری قبلی در بانک دیگری، مجدداً از بانک دیگری موفق به دریافت تسهیلات می‌شوند.

از طرفی یکی از اقداماتی که در سال‌های اخیر در راستای ساماندهی اعطای تسهیلات در شبکه پولی کشور انجام شده تأسیس «شرکت مشاوره رتبه‌بندی اعتباری ایران برای اعتبارسنجی مشتریان» بوده است. این سامانه در سال ۱۳۸۵ ایجاد شده و براساس بخشنامه بانک مرکزی^۹، شبکه بانکی کشور موظف است قبل از اعطای تسهیلات به هر مشتری سابقه بدهی قبلی و چک برگشتی مشتری را از این سامانه استعلام نماید. در خصوص این سامانه دو اشکال جدی نیز وجود دارد. نخست اینکه اطلاعات سامانه مذکور تنها شامل آن بخش از اطلاعات است که توسط شبکه بانکی در آن ثبت می‌گردد، لذا اگر بانکی سابقه یک مشتری خاص را به صورت کامل در سامانه درج ننماید، قابلیت رویت آن بخش از سابقه مشتری عملاً وجود نخواهد داشت. دوم اینکه هر چند بانک‌ها موظفند استعلام متقاضیان را از این سامانه صورت دهند، اما هیچ الزامی در التزام به سابقه متقاضی در تأیید و یا رد درخواست وی ندارند.

۲-۵-۱-۷. عدم تهیه گزارش دقیق اعتبارسنجی مشتری توسط بانک‌ها

اعتبارسنجی مشتریان می‌توان طیف وسیعی از بررسی‌ها و مصاحبه‌ها را شامل شود مانند بررسی سابقه حرفه‌ای فنی و تخصصی متقاضی تسهیلات، سوابق تحصیلی، سابقه مالی و... که البته بانک‌ها هر کدام ممکن است متفاوت از دیگران و در سطح خاصی نسبت به این امر اقدام نمایند. اعتبارسنجی هر کدام از مشتریانی که درخواست دریافت تسهیلات را از بانک ابراز می‌نمایند می‌تواند به عنوان یکی از راه‌های پوشش ریسک اعتباری هر بانک به حساب آید. اساساً شاید بتوان گفت که اعطای تسهیلات به فرد حقیقی یا حقوقی که توان حرفه‌ای قبلی خود را در قبال موضوع درخواست تسهیلات نتوانسته به اثبات برساند، به مثابه یک اقدام غیرعقلایی و پرخطر برای بانک به حساب می‌آید.

۳-۵-۱-۷. بالا بودن نرخ سود تسهیلات اعطایی

به طور کلی یکی از چالش‌های دریافت‌کنندگان تسهیلات مخصوصاً مشتریانی که منابع دریافتی را در راستای فعالیت‌های تولیدی، کشاورزی و دامی به کار می‌گیرند، این است که نرخ بازگشت سرمایه آنها در مواردی که در اقتصاد با تورم بالا مواجه بوده‌ایم، به سختی می‌تواند امکان بازپس‌دهی تسهیلات دریافتی با نرخ سودهای بالای بانکی را

فرآهم آورد لذا براساس نظر نخبگانی و حتی متقاضیان تسهیلات، بالابودن نرخ سود تسهیلات همواره از علت‌هایی بوده که باعث شده دریافت‌کنندگان تسهیلات نتوانند در زمان سررسید به تعهدات خود به صورت کامل عمل نمایند.

۷-۱-۵-۴. بالا بودن میزان جریمه تأخیر و وجه التزام

در مواردی که دریافت‌کنندگان تسهیلات نتوانند در سررسید مورد نظر، به بازپرداخت بدهی خود مبادرت ورزند توسط بانک جریمه می‌شوند. این نرخ در سال‌های مختلف و براساس سیاست‌های ابلاغی بانک مرکزی، سالانه تعیین می‌گردد. چنانچه این جرایم به میزانی باشد که مشتری توان بازپس دهی خود را به طور کلی از دست بدهد، خود این نرخ عاملی در جهت عدم وصول اصل بدهی و سود آن خواهد بود. البته عکس این مطلب نیز می‌تواند صادق باشد و آن مربوط به جایی است که جرایم تأخیر به اندازه‌ای است که با توجه به شرایط تورمی، مشتریان ترجیح می‌دهند که جریمه مربوطه را متحمل شوند ولی منابع را در یک فعالیت پرسود دیگر به کار گیرند تا بتوانند سود بیشتری کسب نمایند. این مورد در شرایط تورمی شدید بسیار رایج می‌گردد.

۷-۱-۵-۵. عدم تهیه گزارش کارشناسی دقیق برای برآورد نیاز واقعی متقاضی به تسهیلات توسط بانک‌ها

هر تقاضای تسهیلاتی که از طرف شبکه بانکی مورد بررسی قرار می‌گیرد، می‌بایست همراه با تهیه گزارش اعتباری دقیق و موشکافانه از موضوع تقاضای تسهیلات در ابعاد مختلف فنی، مالی، اقتصادی و در مواردی برآورد ریسک و نیز مسائل مهم حقوقی پیرامون آن موضوع باشد. معمولاً بخش اعتباری بانک‌ها وظیفه تهیه این گزارش‌ها را به عهده دارد که با تکیه بر نظرات کارشناسی موجود در این گزارشات است که مدیریت بانک تصمیم می‌گیرد که به یک مشتری تسهیلات اعطا نماید و یا آن مشتری به مثابه یک سرمایه‌گذاری پرریسک محسوب می‌گردد.

۷-۱-۵-۶. عدم وجود وثیقه ارزنده یا تضمین مناسب

مقید بودن بانک‌ها در خصوص اخذ وثیقه، همواره توانسته بخش قابل توجهی از ریسک اعتباری بانک را پوشش دهد. البته سخت‌گیری بانک‌ها در این خصوص به شکل افراطی، هیچ‌گاه قابل تأیید نمی‌باشد، چرا که در مواردی اساساً برخی از متقاضیان

واقعی با طرح‌ها و ایده‌های سودده و با آتیه مناسب که از طرف دیگر توانایی تهیه وثایق ارزنده را ندارند، از دریافت تسهیلات باز می‌مانند. از طرفی در مواردی بانک‌ها بر خلاف رویه سخت‌گیرانه نسبت به متقاضیان خرد، در خصوص متقاضیان تسهیلات کلان، از دریافت وثیقه ارزنده باز می‌مانند. براساس قانون بانکداری بدون ربا، قراردادهای لازم‌الاجرا می‌تواند به عنوان وثیقه محسوب گردد. چک و سفته نیز در کنار این قراردادها از جمله وثایقی بوده که متقاضیان تسهیلات از توثیق آن‌ها استقبال می‌نمایند.^۱

۷-۱-۵-۷. أخذ کارمزد خارج از چارچوب تعیین شده براساس مصوبات برخلاف مقررات بانک مرکزی

دریافت کارمزد بالاتر از بخشنامه‌های مصوب و ابلاغی بانک مرکزی، در صورتی که منجر به عدم تمکن بدهکاران شبکه بانکی به بازپرداخت تسهیلات شود می‌تواند به عنوان عاملی در ایجاد و افزایش مطالبات غیرجاری گردد.

۷-۱-۵-۷. عدم انجام صحیح نظارت بر مصرف تسهیلات توسط بانک‌ها

یکی از اساسی‌ترین چالش‌های شبکه بانکی و سیاست‌گذاران آن، عدم تحقق نظارت بانک‌ها به عنوان تأمین‌کننده منابع مالی بر چگونگی مصرف آن است. احراز اطمینان از قابل برگشت بودن اصل و سود تسهیلات پرداختی مستلزم انجام نظارت دقیق توسط بانک‌ها بر روند پیشرفت و جلوگیری جدی از مصرف تسهیلات بیش از میزان پیش‌بینی شده در غیر از محل تعیین شده (با توجه به ماهیت عقود اسلامی مورد استفاده در قانون عملیات بانکی بدون ربا و ظرفیت‌های قانونی و حقوقی و قراردادی امکان کامل برای اعمال نظارت بانک‌ها و حضور در محل مصرف تسهیلات وجود و التزام گردیده است) می‌باشد.

۷-۱-۵-۸. عدم دریافت سهم‌الشرکه مشتری در تسهیلات مشارکتی

در قراردادهای مشارکتی که بر اساس مصوبات ابلاغی توسط بانک مرکزی بایستی سهم مشتریان و متقاضیان تسهیلاتی (از ۳۰ تا ۴۰ درصد ارزش کل موضوع تسهیلات) که

قرارداد آنها در این قالب تعریف شده، همزمان با واریز سهم‌الشرکه بانک بایستی در حساب مربوط به تسهیلات مورد نظر واریز گردد. این اقدام به دلایل مختلفی از جمله الزام طرفین به رعایت قالب شرعی عقود، امکان نظارت بانک بر نحوه مصرف تسهیلات و... پیش‌بینی شده است.

۹-۵-۱-۷. عدم أخذ گواهی مقاصد حساب مالیاتی توسط بانک‌ها

پرداخت مالیات همواره می‌تواند به عنوان یک نشانه برای متولیان شبکه بانکی در خصوص تشخیص خوش‌حسابی یک متقاضی نوعی تسهیلات محسوب گردد. خلاف این امر نیز صادق است به این معنی که عدم پرداخت مالیات می‌تواند نشانه‌ای از بدحسابی یک متقاضی نوعی محسوب گردد.^{۱۱}

۱۰-۵-۱-۷. عدم توجه به ماده ۱۴۱ قانون تجارت توسط بانک‌ها

براساس قوانین بانکی، شرکت‌هایی که مشمول ماده ۱۴۱^{۱۲} بوده و زیان‌ده محسوب می‌گردند، نایستی از شبکه بانکی تسهیلاتی دریافت نمایند.

براساس نظر نخبگان در برخی از موارد، شرکت‌هایی که توسط بدهکاران شبکه بانکی به منظور دریافت تسهیلات معرفی شده‌اند و بر اساس اطلاعات موجود در صورت‌های مالی آن شرکت‌ها، زیان‌ده بوده و ارکان اعتباری بانک بدون توجه به این نکته اقدام به اعطای تسهیلات به آن شرکت‌ها نموده است.

۱۱-۵-۱-۷. عدم توجه به دستورالعمل ذی نفع واحد (دستورالعمل تعهدات کلان) توسط بانک‌ها

براساس نظرسنجی انجام شده در این تحقیق، مشخص شد که در برخی موارد علت ایجاد مطالبات غیرجاری این امر بوده که دستورالعمل تعهدات کلان^{۱۳} ابلاغ شده از طرف بانک مرکزی رعایت نشده است.

ذی نفع واحد بودن متقاضی در خصوص تسهیلات کلان در زمان اعطای تسهیلات، خود می‌تواند باعث تشدید ریسک سرمایه‌گذاری بانک گردد.

۷-۱-۵-۱۲. ذی نفع واحد بودن شخص ثالث تعهددهنده (مدیران شرکت) در مواردی که قرارداد لازم‌الاجرا به عنوان تضمین بوده است

چنانچه در چارچوب تحکیم تضامین تسهیلات پرداختی از طرف بانک، بانکی اقدام به اخذ تعهد از شخص ثالثی بنماید، باعث می‌شود ریسک اعتباری بانک در آن مورد کاهش داشته باشد، اما چنانچه فرد حقیقی و یا حقوقی ثالث تعهددهنده، خود ذی‌نفع تسهیلات دریافتی محسوب گردد، اساساً هدف سیاست‌گذار پولی در مجاز دانستن اخذ تضمین به شکل بیان شده، برآورده نخواهد شد.

۷-۱-۵-۱۳. استفاده مکرر از امکان تسویه صوری یا جابجایی تسهیلات توسط بانک‌ها

از جمله پدیده‌هایی که در سال‌های اخیر شیوع فراوانی یافته این است که بانک‌ها در برخی موارد اقدام به جابجایی تسهیلات مشتریان بدحساب خود نموده‌اند. البته در چند مورد امکان قانونی این اقدام نیز فراهم آمده است. به طور مثال بند ۲۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ به منظور حمایت از تولید و اشتغال به بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، اجازه داده است با تأیید هیئت مدیره، اصل و سود تسهیلات سررسید شده و معوق واحدهای صنعتی، معدنی و کشاورزی را برای یکبار تا پنج سال تقسیط و از سرفصل مطالبات سررسید گذشته و معوق خارج نمایند. این قانون باعث شده که میزان مطالبات غیرجاری همانگونه که در ابتدای مقاله حاضر به صورت نمودار و جدول نشان داده شده است، به شکل صوری کمتر از اندازه واقعی آن نشان داده شود.

به طور کلی جابجایی تسهیلات توسط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ضمن مستتر ماندن نحوه مرادده مالی، موجب گردیده بدحسابی شرکت‌های متعلق به بدهکاران عمده و بدحساب در شبکه بانکی نادیده انگاشته شود و در واقع مشتری بدحساب در استعلام‌های مأخوذه از سامانه اطلاعات بانک مرکزی خوش حساب معرفی گردد.

۷-۱-۵-۱۴. عدم مشارکت واقعی بانک‌ها در سود و زیان پروژه‌ها

اجرای واقعی و دقیق عقد مشارکت به خودی خود می‌تواند امتیازات و نتایج مطلوبی را برای اقتصاد کشور به همراه آورد که از مهمترین آنها می‌توان به تطابق با عدل و قسط، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش تولید و عرضه کل، افزایش سرمایه‌گذاری و اشتغال و حل مشکلات ناشی از تمدید قراردادهای بانکی اشاره نمود (موسویان، ۱۳۸۱، ص ۲).

اینها درحالیست که اگر از عقود مشارکتی واقعی استفاده شود بانک باید وارد بخش واقعی اقتصاد شده و ریسک‌های مترتبه را نیز بپذیرد.

عدم مشارکت واقعی بخش بانکی خود سبب می‌شود که در مواردی که دریافت‌کنندگان تسهیلات با مخاطرات واقعی اقتصاد و به صورت پیش‌بینی نشده مواجه شود، لاجرم تبدیل به بدهکارانی با بدهی غیرجاری می‌گردند.

۷-۱-۵-۱۵. یکسان بودن ذینفع و درخواست‌کننده گشایش ارزی

در صورتی که تسهیلات ارزی در قالب گشایش ارزی به یک مشتری که در واقع درخواست‌کننده آن بوده اختصاص می‌یابد، آن مشتری موظف بوده که از طرف ذی‌نفع آن گشایش که در واقع فروشنده کالا و یا خدمت موضوع تقاضای تسهیلات بوده می‌باشد، پروفورم مربوطه را با ذکر مشخصات دقیق فنی و قیمت آن، به بانک گشایش‌کننده تحویل دهد. در مواردی ممکن است شرکت ذینفع گشایش در خارج از کشور متعلق به مجموعه متقاضی گشایش بوده باشد و یا به عبارتی دیگر درخواست‌کننده گشایش و ذینفع آن هر دو به صورت ذی‌نفع یکسان باشند.

البته صرف ذی‌نفع یکسان بودن در این مورد اشکال خاصی نداشته و مشکلی ایجاد نمی‌کند، اما مشکل آنجا پیدا می‌شود که متقاضی گشایش ارزی در زمان دریافت تسهیلات بابت ورود کالا به کشور هیچ‌گونه اسناد مثبت از قبیل برگ سبز گمرکی و یا برگه ترخیص کالا از گمرک را به بانک ارائه نمی‌کند. در چنین حالتی اولین فرضیه آن است که متقاضی تسهیلات تنها به دنبال دریافت منابع ارزی به صورت وام در خارج از کشور بوده است و اساساً موضوع ارائه شده توسط وی در زمان ارسال تقاضای گشایش ارزی کذب بوده و صرفاً به دلیل استفاده از تسهیلات ارزی قالب صورتی را فراهم آورده و به بانک ارائه داده است. در چنین حالتی به احتمال قریب به یقین شرکت خارجی متعلق به چنین مشتری یک شرکت کاغذی صرف با یک پوسته ظاهری و بدون عملکرد مالی بوده است. در چنین مواقعی به طریق اولی برگ سبز گمرکی و مجوزهای ترخیص کالا نیز در پرونده اعتباری ارزی وی مشاهده نگردیده است. در قراردادهای تسهیلاتی فروش اقساطی و مشارکت مدنی، یکی از ضوابطی که باید مورد توجه قرار گیرد، ارائه فاکتور یا پیش‌فاکتور توسط متقاضی تسهیلات در رابطه با موضوع تقاضای

تسهیلات است. بر اساس نظر نخبگان مورد مصاحبه در این تحقیق، به طور مثال در برخی موارد حجم مواد اولیه خریداری شده با معاملات صورت پذیرفته اظهاری تفاوت فاحش داشته و یا در سال مورد نظر هیچگونه خرید یا فروش با شرکت‌های طرفین معامله فاکتورهای ابرازی در دفاتر مالی شرکت‌ها ثبت و گزارش نگردیده است. حتی در مواردی ایجاد و تعیین محل و مرجع صدور پیش فاکتورها برنامه‌ریزی شده بوده و شرکت‌های فروشنده و خریدار یکی می‌باشند. البته صوری بودن فاکتور علت غیرجاری شدن تسهیلات دریافتی نیست، اما می‌تواند نشانه‌ای از شرایط مداخله‌گر دیگری همچون بدرفتاری یا مخاطرات اخلاقی مشتری تسهیلات باشد.

۱-۷-۱-۵-۱۶. عدم مصرف تسهیلات در محل واقعی و مورد ارائه به بانک در زمان تقاضای دریافت تسهیلات توسط مشتری

اگر فرض کنیم فردی به عنوان دریافت‌کننده تسهیلات، رفتار نامتقارنی از خود بروز داده و تسهیلات دریافتی را در محلی غیر از محل موضوع تقاضا به امید کسب سود بیشتر مصرف نماید، سبب خواهد شد تا ریسک اعتباری بانک‌ها به علت افزایش ریسک نکول این افراد افزایش یابد. از طرفی در چنین حالی هیچ‌گاه مقصود سیاست‌گذار پولی در هدایت منابع تسهیلاتی به بخش‌های مختلف اقتصادی به صورت متوازن و مورد نظر برنامه‌های سالانه و ۵ ساله توسعه هیچ‌گاه در عمل محقق نخواهد شد و تنها به صورت اسمی این امر به ظاهر محقق گردیده است.

۱-۷-۱-۵-۱۷. ارائه گزارشات خلاف واقع به بانک در زمان مصرف تسهیلات توسط مشتری

برخی از زمینه‌های فعالیت کارآفرینان به گونه‌ای است که بازدهی پویایی برای سرمایه‌گذاری به ارمغان نمی‌آورد و در مواردی ممکن است که برای بهینه نمودن هزینه‌ها تلاشی صورت ندهند و تنها دغدغه اصلیشان برآوردن منافع شخصی‌شان باشد. چنین عملکردهایی هم پروژه را از مسیر خود منحرف می‌سازد و هم تخصیص منابع توسط صاحبان وجوه را با انحراف مواجه می‌سازد (کاپلند و استرومبرگ، ۲۰۰۰، به نقل از احمد حبیب، ص ۹).

۷-۱-۵-۱۸. وجود سابقه بدحسابی قبلی مشتری در شبکه بانکی

وجود سابقه بدهکاری کلان قبلی یک متقاضی نوعی تسهیلات، خود نشانه‌ایست از عدم التزام احتمالی وی به مفاد قرارداد تسهیلاتی آتی که فی‌مابین هر بانک و مؤسسه اعتباری و وی منعقد می‌گردد.

۷-۱-۵-۱۹. وجود سوابق متعدد دعاوی حقوقی میان مشتری و دیگران

وجود سابقه قضایی منفی متعدد مالی به خودی خود در خصوص یک متقاضی نوعی، نشانه‌ای است از بروز محتمل مشکلاتی مانند عدم پایبندی مشتری به بازپس‌دهی منابع بانکی.

۷-۱-۵-۲۰. مخدوش بودن صورت‌های مالی ارائه شده توسط مشتری به بانک

مخدوش بودن صورت‌های مالی ارائه شده توسط مشتری به بانک یا به اصطلاح چند دفتر بودن شرکت‌های متقاضی تسهیلات، نیز همانند مورد قبل نشانه‌ای است از بروز محتمل مشکلاتی مانند عدم پایبندی مشتری به بازپس‌دهی منابع بانکی.

۷-۱-۵-۲۱. استفاده مشتری از شرکت‌های تو در تو و متعدد در زمان دریافت تسهیلات از

شبکه بانکی

اولین استدلال از جانب دارندگان این شرکت‌ها ممکن است این باشد که داشتن شرکت‌های متعدد با موضوعات فعالیت مختلف و ترجیحاً مرتبط می‌تواند به تسهیل فرآیندهای تجاری و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری منجر شود. به طور مثال دارا بودن یک شرکت بازرگانی بین‌المللی می‌تواند در امر صادرات و یا واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات و محصولات مورد نظر واحدهای مختلف تولیدی و خدماتی کمک نماید. این استدلال در خصوص شرکت‌های مفید و مؤثر کاملاً درست و منطقی می‌باشد لذا داشتن شرکت‌های متعدد به خودی خود ممنوعیت قانونی ندارد، اما چنانچه شرکت‌های صرفاً به منظور دریافت تسهیلات و تنها به صورت ثبت کاغذی ایجاد شده باشند، محملی خواهد بود در جهت اخذ تسهیلات کلان توسط ایجادکنندگان چنین مجموعه‌ای از شرکت‌ها که در برخی موارد کارشناسان اعتباری بانکی نیز توان تشخیص وجود روابط احتمالی مالکانه در قالب ذی‌نفع واحد میان آن شرکت و سایر شرکت‌های مراجعه‌کننده بابت دریافت تسهیلات را ندارند.

۲-۷. کدگذاری محوری

کدگذاری محوری فرآیندی است که طی آن داده‌هایی که به مفاهیم و مقوله‌ها تجزیه شده بودند، به شیوه جدیدی مورد بررسی قرار می‌گیرند تا از آن میان بتوان بین یک مقوله و مفاهیم موجود در آن و حتی دیگر مقولات، پیوند برقرار کرد. خروجی اینکار مدل پارادایمی است. این مدل محقق را قادر می‌کند تا درباره داده‌ها به طور منظم بیان‌دیشد و آنها را به شیوه‌های دیگری به هم پیوند زده‌اند (بازرگان، ۱۳۸۷).

۱-۲-۷. شرایط علی

بر اساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، شرایط علی که باعث می‌شود میزان مطالبات غیرجاری بانکی تحت تأثیر قرار گیرند، مطابق با جدول زیر هستند.

جدول (۲): مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط علی

مقوله کلی	مفهوم	کدهای نهایی
شرایط علی	عدم تمکن واقعی در بازپرداخت تسهیلات ^{۱۴}	مشکلات ساختاری شبکه بانکی کشور ^{۱۵}
		عدم تقارن رفتاری برخی از بدهکاران بانکی ^{۱۶}
		امکان سودآوری غیر نرمال در برخی فرصت‌های سرمایه‌گذاری ^{۱۷}
		پایین بودن جریمه تأخیر ^{۱۸}
	ساختارهای سختگیرانه شبکه بانکی	عدم انعطاف شبکه بانکی در خصوص شرایط متقاضیان تسهیلاتی ^{۱۹}
		نرخ سود بالا در خصوص تسهیلات بانکی
	عدم پیگیری جدی حقوقی بانک‌ها در وصول مطالبات	افزایش هزینه‌های مربوط به وصول مطالبات
اعمال نفوذ صاحبان قدرت و ثروت در بخش‌های قضایی و انتظامی		

۲-۲-۷. شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای در این تحقیق شامل مواردی است که در جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۳): مفاهيم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط زمينه‌ای

مقوله کلی	مفهوم	کدهای نهایی
شرایط زمينه‌ای	تورم بالا و افزایش هزینه‌های تولید، حمل و نقل و ۴	شاخص‌های ناهمگون فضای کسب و کار
	ایجاد رکود گسترده در فضای کسب و کار	
	افزایش نرخ ارز	
	افزایش ناگهانی قیمت محصولات وارداتی	بروز ریسک افزایش هزینه
	کاهش سطح تولید ناخالص داخلی	شاخص‌های ناهمگون فضای کسب و کار
	کاهش نرخ رشد اقتصادی	
	افزایش نرخ بیکاری ^{۲۰}	
	کاهش سطح دستمزدها ^{۲۱}	
	افزایش سطح دستمزدها ^{۲۲}	
	عوامل فورس ماژور مانند سیل، زلزله و ...	ریسک‌های غیرسیستماتیک
	عدم استفاده وام‌گیرندگان از خدمات بیمه‌ای	ضعف در مدیریت دارایی‌ها توسط افراد
	وجود قوانین و مقرراتی دشوارکننده شرایط تولید و کسب و کار	ریسک‌های غیرسیستماتیک

۷-۲-۳. شرایط مداخله‌گر

در این مقاله، پس از بررسی مفاهيم و مقوله‌ها، شرایط مداخله‌گر به شرح جدول ذیل شناسایی شدند:

جدول (۳۴) مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط مداخله‌گر

مقوله کلی	مفهوم	کدهای نهایی
شرایط مداخله‌گر	ویژگی‌های سازمانی	بروز تخلفات اداری از سوی کارمندان بانک‌ها در بررسی و نظارت بر مشتریان
		عدم أخذ وثایق ارزنده از مشتریان
		عدم رعایت استانداردهای ارزیابی طرح‌های اقتصادی توسط بانک‌ها
		عدم اعتبارسنجی مناسب شخص حقیقی یا حقوقی گیرنده تسهیلات
		عدم استفاده و رجوع به سوابق اقتصادی مشتریان مانند سوابق مالیاتی
		وجود جریمه تأخیر بالا
شاخص‌های رفتاری مشتریان		عدم تشخیص مصادیق خاص ذینفع واحد در خصوص گیرندگان تسهیلات
		ارائه اطلاعات غلط توسط مشتریان مانند ارائه فاکتور و پیش‌فاکتور صوری
		عدم استفاده وام‌گیرندگان از خدمات بیمه‌ای
		خرج‌کرد تسهیلات در غیر از محل مورد تقاضا توسط مشتریان
		وجود سابقه بدهی قابل توجه قبلی مشتری
		عدم تمکین مشتری در پرداخت بدهی خود ^{۳۳}

در این مدل، شرایط علی، عوامل ترغیب‌کننده و یا الزام آور برای ایجاد مطالبات غیرجاری بانکی هستند. شرایط زمینه‌ای، اقتضائات درون بانکی و برون بانکی هستند، شرایطی که می‌بایست به عنوان عوامل محیطی و کلان مورد توجه قرار گیرند. برخلاف شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر عبارتند از شرایطی که مستقیماً میزان مطالبات غیرجاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۷-۲-۴. مقوله محوری

جدول (۵): مفاهیم و مقولات شناسایی شده مرتبط با پدیده اصلی

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد ریسک اعتباری شبکه بانکی کشور که از مجرای افزایش مطالبات غیرجاری رخ می‌دهد	تعیین بسترهای ایجاد عوامل مؤثر بر مطالبات غیرجاری بانکی	تعیین متغیرهای بومی مؤثر بر میزان مطالبات غیرجاری بانکی

۷-۲-۵. راهبردها

راهبردها در واقع شاخص‌هایی را نشان می‌دهند که در هنگام تعیین متغیرهای مؤثر بر میزان مطالبات غیرجاری باید مورد نظر قرار گیرند.

جدول (۶): مفاهیم و مقولات شناسایی شده مرتبط با راهبردها

مفهوم	مقوله اصلی
مشکلات واقعی درون سازمانی وام‌گیرندگان در بازپرداخت بدهی	شاخص‌های کسب و کار
مشکلات ساختاری ایجاد مطالبات غیرجاری	
مشکلات محیطی ایجادکننده مطالبات غیرجاری	
مشکلات فورس مازور ایجادکننده مطالبات غیرجاری	

۷-۲-۶. پیامدها

هدف از این بخش، شناسایی پیامدهای ناشی از تعیین اصلی‌ترین متغیرهای مؤثر بر ایجاد مطالبات غیرجاری بانکی با توجه به اقتضائات بومی فضای کسب و کار کشورمان می‌باشد.

جدول (۷): مفاهیم و مقولات شناسایی شده مرتبط با پیامدها

مقوله کلی	مفهوم	کدهای نهایی
پیامدها	کاهش مطالبات غیرجاری و جلوگیری از بلوکه شدن منابع بانکی	بهبود شاخص‌های عملکرد درون بانکی
		بهبود شاخص‌های عملکرد شبکه بانکی
		ایجاد فرصت‌های برابر در توزیع اعتبارات
		امکان سرمایه‌گذاری‌های سودآور جدید
		کمک به کاهش شکاف طبقاتی
		کمک به تحقق سیاست‌های پولی
		کمک به تحقق شاخص‌های برنامه‌ریزی شده کلان اقتصادی

۳-۷. کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی از طریق یک فرایند تعاملی، هم راه با کدگذاری باز و محوری انجام می‌شود. مدل نظری گستره متغیرها مطابق با ابعاد مدل پارادایمی در شکل زیر قابل مشاهده است.

پس از تهیه مدل پارادایمی، برای افزایش اعتبار مدل، مدل پارادایمی در اختیار خبرگان قرار گرفت. از آنها خواسته شد که نظرات خود را ارائه دهند. در نهایت شکل زیر با لحاظ این نظرات و اشاره به ابعاد نظری و تئوریک اقتصادی حوزه‌های مربوطه سعی نموده تا متغیرهای مؤثر بر ایجاد مطالبات غیرجاری بانکی را که با توجه به اقتضات بومی فضای کسب و کار کشورمان بیشترین تأثیر را دارد، دسته‌بندی و به تصویر بکشد.



نمودار (۳): مدل پارادایمی تعیین متغیرهای تأثیرگذار بر مطالبات غیر جاری بانکی کشورمان

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همانگونه که در خلال مقاله اشاره نمودیم، نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی شبکه بانکی می‌تواند به عنوان شاخصی از آستانه تاب‌آوری شبکه بانکی به حساب آید. از سوی دیگر از آنجا که بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران، الگوی بانکداری بدون ربا در ایران براساس قانون بانکداری بدون ربا مصوب و اجرایی گردید، ارزیابی عملکرد این الگو از ضروریات آسیب‌شناسی در حوزه قانون‌گذاری در شبکه بانکی کشور به حساب می‌آید. همانگونه که بیان نمودیم تاکنون مقالات متعددی در خصوص نحوه اجرا و کیفیت انعقاد قراردادهای اسلامی در شبکه بانکی کشورمان نگاشته شده، اما تحقیق در خصوص شاخص‌های کلان همچون مطالبات غیرجاری و علل آن عمیقاً به سرانجام نرسیده است. نسبت مطالبات غیرجاری براساس استانداردها و عرف بین‌المللی ۲ تا ۵ درصد می‌باشد و معوقات بیش از ۵ درصد به عنوان ریسک پرخطر محسوب می‌گردد و در این بین، این نسبت در ایران به حدود ۳۰ درصد رسیده که بیانگر این مطلب است که یکی از پرریسک‌ترین کشورهای دنیا در این خصوص ایران می‌باشد و اینکه شناخت علل ایجاد مطالبات غیرجاری به خوبی می‌تواند به عنوان یکی از ضروری‌ترین اولویت‌های علمی و پژوهشی در شبکه بانکی بایستی به شناسایی عوامل مؤثر خاص فضای کسب و کار کشورمان بپردازد تا از این طریق با تمرکز بر جلوگیری از بروز این عوامل به وسیله وضع قوانین جدید و ارائه دستورالعمل‌های مناسب و ایجاد ساختارهای جدید، به کاهش حجم مطالبات غیرجاری بانکی کمک نماییم. ما در این تحقیق توانستیم مهمترین عوامل تأثیرگذار بر مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی کشورمان را با توجه به شرایط و اقتضائات بومی فضای کسب و کار کشورمان دسته‌بندی و تبیین نماییم. این امر از طریق روش تحقیق «نظریه برخاسته از داده‌ها» انجام پذیرفت که نهایتاً با دسته‌بندی اقتضای این نظریه آن عوامل را به صورت مبسوط ارائه دادیم و نشان دادیم که به طور کلی مدل پارادایمی به دست آمده به خوبی توانسته است همه عوامل دخیل را که جنبه برون‌سازمانی و درون‌سازمانی دارند به خوبی برشمرده و مورد اشاره قرار دهد.

جمع‌بندی تحقیق حاضر را از طریق پرداختن به جواب سوالات تحقیق ادامه می‌دهیم. به همین منظور بایستی یک بار دیگر به سوالات تحقیق مراجعه کنیم. دو سوال اصلی تحقیق این بود که اولاً آیا بروز حجم بالای مطالبات غیرجاری به علت حاکمیت قانون عملیات بانکداری بدون ربا در کشور می‌باشد و یا خیر؟ و دوم اینکه کدام متغیرهای بومی اقتصادی و فرهنگی در ایران منجر به افزایش مطالبات غیرجاری در حجم فراوان شده است، از طرف دیگر همانگونه که بیان نمودیم. به منظور مفهوم‌سازی بهتر پاسخ به سوالات تحقیق ابتدا به بررسی پاسخ سوال دوم تحقیق یعنی به شناسایی عوامل مؤثر بومی بر پیدایش و افزایش میزان مطالبات غیرجاری پرداخته شد تا از آن طریق اثبات نماییم که فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر عدم ارتباط میان حاکمیت قانون عملیات بانکداری بدون ربا و افزایش مطالبات غیرجاری شبکه بانکی، صادق است. در این راستا براساس نظریه برخاسته از داده‌ها و بهره‌گیری از نظر نخبگان با شناسایی مهمترین عوامل مؤثر بومی در قالب سه دسته عوامل زمینه‌ای، مداخله‌گر و علی، در پیدایش مطالبات غیرجاری، هر کدام از این عوامل را معرفی و تشریح نمودیم. مطالعه نتایج به دست آمده نشان داد که هیچ ارتباط منطقی میان این عوامل و حاکمیت قانون عملیات بانکی بدون ربا در شبکه بانکی کشور وجود ندارد. به عبارت دیگر هیچ‌کدام از شرایط علی، مداخله‌ای و زمینه‌ای ایجاد مطالبات غیرجاری ارتباطی الزام بانک‌ها به رعایت قانون عملیات بانکی بدون ربا ندارد و اتفاقاً آنچه از نتایج حاصل آمده بر می‌آید، مشخص می‌کند که عدم اجرای صحیح دستورالعمل‌های مرتبط با این قانون و سایر دستورالعمل‌های عملیات بانکداری در کشور منجر به ایجاد روز افزون مطالبات غیرجاری گردیده است. توجه به شرایط مداخله‌گر به خوبی این امر را نشان می‌دهد.

یادداشت‌ها

۱. براساس استانداردها و تعاریف، تسهیلات اعطایی به متقاضیان پس از دریافت و گذشت زمان به دو دسته کلی مطالبات جاری و غیرجاری تقسیم می‌گردند. بدهی‌های جاری آن دسته از تسهیلات می‌باشند که زمان سررسید آنها هنوز نرسیده است. مطالبات غیرجاری

مربوط به مواردی است که از تاریخ سررسید آنها زمان بیشتری گذشته باشد. در این بین مطالبات غیرجاری شبکه بانکی خود به ۳ دسته مطالبات سررسید گذشته، مطالبات معوق و مطالبات مشکوک الوصول تقسیم می گردند. براساس استانداردهای داخلی شبکه بانکی، چنانچه از تاریخ سررسید اقساط بدهی به بانک، بیش از ۲ ماه و کمتر از ۶ ماه گذشته باشد تسهیلات مربوطه جزء مطالبات سررسید گذشته به حساب می آید. پس از ۶ ماه و با توجه به مکاتبات بانک یا مؤسسه مالی با گیرنده تسهیلات چنانچه وی برای بازپرداخت تسهیلات تا ۱۸ ماه اقدامی صورت ندهد، مطالبات از وی، در سرفصل مطالبات معوق طبقه بندی می شود و بعد از گذشت ۱۸ ماه به عنوان مطالبات مشکوک الوصول شناخته می شود.

۲. به منظور استخراج آمار تا قبل از سال ۱۳۸۶ از داده های سری زمانی بانک مرکزی و از سال ۱۳۸۶ به بعد از داده های نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی استفاده شده است.

۳. به اعتقاد نگارنده این مشکلات عموماً در خصوص مؤسسات مالی و اعتباری به مراتب بروز بیشتری داشته است.

4. Non Performing Loans

5. Theoretical Sampling

۶. شرایطی هستند که مقوله اصلی را مستقیماً ایجاد می کنند.

۷. شرایط ویژه ای هستند که در قالب تأثیرات راهبردی در شکل گیری مقوله اصلی نقش ایفا می کنند.

۸. شرایط محیطی هستند که به ایجاد مقوله اصلی کمک می کنند.

۹. بخشنامه شماره مب/ ۲۸۲۳ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۰۵ بانک مرکزی مرتبط با مصوبه شورای پول و اعتبار در خصوص طبقه بندی دارایی ها در مؤسسات اعتباری، نحوه طبقه بندی مطالبات در سرفصل های مطالبات جاری، سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول - که در فصل اول در خصوص هر طبقه توضیحات مبسوط ارائه شد- را به طور کامل شرح داده است.

۱۰. حسب نامه شماره نب/ ۹۶۸۱ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۹ اداره نظارت بر بانک های بانک مرکزی امکان اخذ چک با ظهنویسی ضامنین معتبر صرفاً در طرح های تولیدی (به منظور تسهیل امر سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال بیشتر در طرح های تولیدی) مجاز اعلام شده است (قانون

عدم الزام سپردن وثیقه ملکی به بانکها و دستگاهها و سایر مؤسسات و شرکتهای دولتی به منظور تسهیل امر سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در طرح‌های تولیدی و صادراتی مصوب ۱۳۸۰/۰۳/۲۷ مجلس محترم شورای اسلامی). البته با توجه به مشکلات فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر تصمیمات اقتصادی افراد، این‌گونه تضامین به هیچ‌وجه نمی‌تواند متضمن بازگشت منابع بانکی توسط بدهکاران باشد.

۱۱. حسب بخشنامه‌های شماره نب/۳۳۰۶ مورخ ۱۳۸۲/۰۶/۰۱ اداره نظارت بر بانکها و م/۲۵۳۹ مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۰۳ اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی، کلیه مدیران بانک‌های دولتی و غیردولتی ملزم به رعایت تبصره یک ماده ۱۸۶ قانون مالیات‌های مستقیم در زمان اعطای تسهیلات به کلیه اشخاص حقوقی و حقیقی مشمول اصل مالیات بردرآمد موضوع قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحیه، مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، برای اشخاص حقوقی از مبلغ یک میلیارد و پانصد میلیون ریال و بالاتر و برای اشخاص حقیقی از مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال و بالاتر (درحال حاضر به مبلغ پانصد میلیون ریال و بالاتر تغییر نموده است) در ظرف یکسال شمسی می‌باشند.

۱۲. ماده ۱۴۱ اصلاحیه قانون تجارت: اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود، هیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع «انحلال یا بقاء» شرکت مورد شور و رأی واقع شود.

۱۳. منظور از تسهیلات و تعهدات کلان، مجموع مانده تسهیلات و تعهدات مربوط به هر ذینفع واحد می‌باشد که از ۱۰ درصد سرمایه پایه در بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری و ۵ درصد سرمایه پایه در بانک‌های دولتی تجاوز می‌کند (به استناد بسته سیاستی^۰ نظارتی سال ۱۳۸۸ نسبت موصوف به ترتیب ۱۵ درصد واحد تولیدی، ۱۰ درصد غیرتولیدی، در سال ۱۳۸۹ به هرذینفع واحد ۱۵ درصد سرمایه پایه و در سال ۱۳۹۰ واحد تولیدی ۱۵ درصد و غیرتولیدی ۵ درصد تعیین گردیده است) و منظور از ذینفع واحد یک شخص حقیقی یا حقوقی به طور مستقل و یا دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی که به واسطه برخورداری از روابط مالکیتی، مدیریتی، مالی، کنترلی و یا به هر نحو دیگری می‌توانند مؤسسه اعتباری را در معرض ریسک قرار دهند بدین ترتیب که مشکلات یکی

- از آنها بتواند به دیگری تسری یابد و منجر به عدم بازپرداخت یا ایفای به موقع تسهیلات و یا تعهدات آنها شود.
۱۴. این مسأله در بسیاری از موارد منجر به عدم بازپرداخت تسهیلات از جانب دریافت‌کنندگان آن به صورت ارادی می‌شود.
۱۵. این مسائل ساختاری به برخی بدهکاران بانکی اجازه می‌دهد نسبت به بازپرداخت تسهیلات خود خودداری نمایند.
۱۶. این امر لزوم فرهنگ‌سازی در بستر اجتماعی را نشان می‌دهد.
۱۷. این امر نشان از عدم توسعه‌یافتگی ساختارهای اقتصادی می‌باشد.
۱۸. این موضوع، کم اثر بودن تبعات ناشی از عدم بازپرداخت تسهیلات را در پی دارد.
۱۹. چرا که دریافت‌کنندگان تسهیلات در دوره‌های زمانی مختلف مانند مواردی که ریسک‌های واقعی متوجه شرایط تولیدی و... می‌گردد.
۲۰. در خصوص افراد وام‌گیرنده حقیقی.
۲۱. در خصوص وام‌گیرندگان خرد.
۲۲. در خصوص وام‌گیرندگانی که از نیروی کار دیگران استفاده می‌کنند.
۲۳. این امر عمدتاً به دلیل امید به کسب سودهای آتی بیشتر بخاطر پایین بودن میزان جریمه تأخیر در مقابل فرصت‌های سرمایه‌گذاری پیش‌روی مشتری برای وی، به وقوع می‌پیوندد.

کتابنامه

- بازرگان، عباس (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری، تهران: دیدار، چاپ اول.
- تقی نتاج، غلامحسین، حمیدرضا نجف‌پورکردی (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل علل افزایش مطالبات غیرجاری بانک نمونه و راهکارهای پیشگیری و کاهش آن»، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۷، صص ۱۲۴-۱۴۳.
- جلالی خلیل‌آباد، عبدالحسین (۱۳۹۰)، «علل و آثار گسترش مطالبات غیرجاری در نظام بانکداری بدون ربا ایران و ارائه راهکارهای اصلاح آن در قالب بانکداری اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

ذاکرنیا، احسان (۱۳۹۳)، «شناسایی و اولویت بندی عوامل سیستماتیک و غیرسیستماتیک مؤثر بر افزایش مطالبات معوق در نظام بانکداری بدون ربا در ایران؛ مطالعه موردی بانک سپه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

موسوی، سیدمحمد (۱۳۹۴)، «شناسایی عوامل مؤثر بر مطالبات معوق در سیستم بانکی کشور»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

Barr, R. L. Seiford & T. Siems, (1994), "Forecasting Banking Failure: A Non-Parametric Frontier Estimation Approach", *Researches Economiques de Lovain* No. 60.

Flint, D.J. (1998), Change in customer's desired value: a grounded theory study of its nature and processes based on business customers' lived experience in the US automotive industry, PhD Thesis, The University of Tennessee.

Strauss, A.L. and Corbin, J.M. (1998), Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory, 2nd edition, Thousand Oaks, California.



Determining the Relation between the Problem of Non-Performing Loans and Riba-Free Banking in Iran

Ahmad Baharvandi*

Received: 28/11/2015

Mohammad Reza Ranjbar Fallah**

Accepted: 27/05/2016

Asghar Abolhasani Hastiyani***

Nowadays, the significant increase in the banks' non-performing loans is one of the main disturbances for authorities because of its bad effects on the macroeconomic index in our country such as increasing credit risk, liquidity risk and finally bankruptcy risk. Social gap in welfare programs, deviation in monetary policies, etc. are the other bad results of this phenomenon. Meanwhile, due to our major effort to implement a *riba*-free banking system, the non-performing loans proportion to the overall banking demands may be taken by international supervisors as an index of Iran's special condition. Studying the causes of NPLs is one of the research priorities to help decrease NPLs and to improve our monetary position. In this article, we survey those causes by using Grounded theory. We have also benefitted from the opinions of some banking officials to gather data and analyze them. Finally, we show that NPLs causes can relate to both macroeconomic and microeconomic factors. We can also relate microeconomic factors to self-banking factors and borrowers' behavioral factors.

Keywords: Non Performing Loans, Micro-Economical Variables, Self-Banking Variables, Main Borrowers' Behavior

JEL Classification: E32, E44, E51, G21

* Ph.D. Student of Economics, Payam Noor University, (Corresponding Author), amd.bahar@gmail.com

** Associate Professor, Department of Economics, Payam Noor University, rfallah@pnu.ac.ir

*** Associate Professor, Department of Economics, Payam Noor University, abolhasani2000@yahoo.com